

# یادداشتی درباره:

## ترجمهٔ تعبیرات

## خارجی به فارسی

در دو سه نشریهٔ متین - که به انشای درست مندرجات خود اهتمام دارند - در چند ماه اخیر تعبیرات و جمله‌هایی از این قبیل دیدم: "سقف قیمت"، "شرایط زندگی"، "شرایط اجتماعی"، "شرایط پیچیدهٔ زندگی"، "کار فلان کس روی ادبیات فارسی"، "بر آنها تاثیر بگذارد"، "سر راه مانعی جدی گذاشت"، "متفاوت از - است"، "آهنگ بی‌سوادی"، "نرخ بی‌سوادی"، "به - شدیداً محتاجند"، "منقاد کردن انقلاب علمی"، "بحثی در این زمینه باز کرد"، "انفجار جمعیت"، "تفاوت بزرگ"، "بطور وحشتناکی متأسف بود". بلافاصله به ذهنم گذشت که اکثر این عبارات ترجمهٔ تعبیرات خارجی است و شاید اصل آنها بوده است:

The ceiling price, the conditions of life social conditions, present conditions, the complex conditions of life his work on-, to make an effect, to make an impediment on the way of-, to be different from, the rate of illiteracy, they need it desperately, to subdue the scientific revolution, to open a discussion, the population explosion a great difference, he was awfully sorry.

بدیهی است اگر تعبیرات مذکور به صورت زیر بقدم می‌آمد مانوس‌تر و با طبیعت زبان فارسی سازگارتر بود: "حداکثر قیمت"، "وضع زندگی"، "اوضاع اجتماعی"، "اوضاع و احوال کنونی"، "کیفیت (حالت) دشوار زندگانی"، "کوشش (پژوهش) - در زمینهٔ (دربارهٔ) ادبیات فارسی"، "در آنها تاثیر کند"، "سر راه - مانعهای مهم (بزرگ) پدید آورد"، "با - متفاوت است"، "میزان بی‌سوادی"، "به - سخت (بسیار)

محتاجند"، "چیره شدن بر انقلاب علمی"، "بحثی در این زمینه آغاز کرد"، "وفور جمعیت"، "تفاوت بسیار (بارز)"، "سخت (بسیار) مناسف بود".

ترجمهء لفظ به لفظ از زبان بیگانه بی‌گمان کاری نارواست و با شیوهء بیان طبیعی که مردم با آن خو گرفته‌اند مغایرست و به همین سبب ناخوشایندست. در آثار قدیم فارسی گاهی نمونه‌هایی از ترجمه‌های لفظی را می‌توان دید، نظیر مثالهای زیر:

\* برفور: علی‌الفور: "و اگر همچنان برفور در عقب ما بیامدی یکی از ما و زنان و بیجان ما باز نرستی" (تاریخ بیهقی ۷۷۵) ۱.

\* بر رعم: علی‌رعم: "تا بار دیگر بر رعم خلفا هیچ کس خلعت مصری نیوشد." (همان کتاب ۲۳۲).

\* بر سبیل: علی سبیل: "و فرامی‌نمود که برای طلب علم هجرتی نموده است و بر سبیل شاکردی به هر جا می‌رفت." (کلیله و دمنه ۳۰-۳۱) ۲.

\* قصه برداشتن (عرض‌حال و دادخواهی): رفع القصة: "فرخی بی‌برگ ماند... قصه به دهقان برداشت که مرا خرج بیشتر شده است." (چهارمقاله ۵۸) ۳.

\* عفو کردن از: عفا عنه (عن‌ذنبه): "رحم آوردن بر بدان ستم است بر نیگان، عفو کردن از ظالمان جورست بر درویشان." (گلستان سعدی ۱۷۹) ۴.

عفو کردم از وی عملهای زشت به انعام خویش آرمش در بهشت (بوستان سعدی، ب ۲۰۵۵) ۵.

\* مشغول شدن به: از: شغل عن - بکذا: "در انجیل آمده است که ای فرزند آدم گر توانگری دهمت مشغول شوی به مال از من." (گلستان ۲۰۱) ۶.

این نوع تاثیر گاه در نحو جمله نیز هست حتی در مواردی جز ترجمه از عربی، مانند بکار بردن مصدر به صورت مفعول مطلق برای تاکید یا بیان چگونگی فعل:

\* بغرید غریدنی چون پلنگ چو بیدار شد اندر آمد به جنگ (شاهنامه، ۲/۲۵۳) ۶.

\* چنان که تاثیر کاربرد "لولا" در زبان عربی نیز در جملهء زیر مشهودست: "گر جور شکم نیستی هیچ مرغ در دام صیاد نیوفنادی بلکه صیاد خود دام نهنهادی." (گلستان ۱۹۰) ۷.

البته این گونه موارد کم است و همیشه در نثر و شعر پیشینیان شیوهء زبان فارسی حاکم است و این حالت غلبه دارد.

بعلاوه نکتهء باریک این است که گاه ترجمهء لفظ به لفظ تعبیرات خود طوری است که با اسلوب زبان فارسی مطابقت یا سازگاری دارد - نظیر: بحران فرهنگی: crise culturelle، روش مشاهده (معاينه): methode d'observation، تقسیم‌کار: division du travail، اختلاف عقیده<sup>۸</sup>: divergence d'opinions. این گونه ترجمه‌ها چون از طرز بیان معهود فارسی‌زبانان دور نیست مقبول است و رواج یافته و بر وسعت تعبیر زبان نیز افزوده است. از این قبیل است: تاریخ تولد: date de naissance، محل تولد: lieu de naissance، آزادی مطبوعات: liberté.

de la presse ، جهان آزاد : free world ، حساب پسانداز : saving ،  
account ، پرده آهنین : Iron curtain ، زیر چاپ : underprint ، نیمه  
تمدن : half-civilized ، هموطن : compatriote .

اما ترجمه‌هایی مانند آنچه در آغاز این یادداشت آمد و نظایر آنها که در سطور  
زیر نقل می‌شود در فارسی نامطبوع است زیرا از شیوه رایج در این زبان دور و مهجور  
می‌نماید :

\* رل بازی کردن : jouer un rôle بجای : نقش باختن و نقشی بر عهده  
گرفتن .

\* در ارتباط با - : in connection with بجای : از لحاظ ، از نظر ، نسبت  
به .

\* امتحان گرفتن - : to take an examination بجای : امتحان کردن .  
\* روی چیزی مطالعه کردن : - étudier sur بجای : درباره چیزی مطالعه  
کردن .

\* روی کسی کار کردن : - to work on بجای : کوشش برای نفوذ در کسی ، او را  
متقاعد کردن .

\* روی کسی حساب کردن : - compter sur بجای : به کسی (اعتماد) کردن ،  
متکی شدن .

\* فوق‌الذکر : susmentionné بجای : یاد شده ، مذکور در فوق .

در هر حال ، نمونه‌های ترجمه<sup>۹</sup> تعبیرات خارجی ، بصورت مطلوب و نامطلوب ،  
فراوان است و نیز بسیاری از معادل‌های لفظ به لفظ آنها را می‌توان برشمرد که وقتی  
با ساخت عبارات فارسی موافق و هم‌آهنگ است پذیرفتنی است و رواج نیز یافته است  
اما آنها که با روح و فطرت زبان فارسی مطابق نیست در بافت سخن بمنزله<sup>۱۰</sup> و صله‌های  
ناجورست و ناهموار می‌نماید<sup>۱۱</sup> . بدیهی است تشخیص سازگاری و ناسازگاری این گونه  
تعبیرات حاصل انس با آثار فصیح زبان فارسی و احراز ملکه<sup>۱۲</sup> فارسی‌دانی است ،  
چنان که غرابت تعبیرات ناخوش و ناروا را نیز این گونه صاحب‌نظران زودتر و بهتر  
احساس می‌کنند .

\*

وقتی درباره ترجمه<sup>۱۳</sup> تعبیرات خارجی به زبان فارسی می‌اندیشیدم بمناسبتی جلد  
اول مجله<sup>۱۴</sup> آینده (تیر ۱۳۰۴ - آبان ۱۳۰۵) پیش رویم قرار داشت . هنگامی که صفحات  
آن را ورق می‌زدم با مروری اجمالی متوجه شدم با آن که نویسندگان و مترجمان آن زمان  
از تجربه‌های فراوانی که در شصت و دو سال اخیر در نویسندگی و ترجمه حاصل شده  
برخوردار نبوده‌اند در ترجمه<sup>۱۵</sup> کلمات و تعبیرات سنجیده و آگاهانه قلم بر کاغذ  
نهاده‌اند . مثلاً در صفحات آینده با معادل‌هایی از این قبیل روبرو می‌شویم :

مطلوب اجتماعی ، ص ۵ ؛ کمال مطلوب ، ص ۲۹۸ - ۲۹۹ : idéal ، تمایلات تند  
ملی : chauvinisme ، ص ۷ . اتحاد اعراب : panarabisme ، ص ۶۰ . مذهب

حسی: sensualisme ، ص ۱۶۱. کار انجام یافته: fait accompli ، ص ۲۱۹. اختلاف کلمه: divergence de vues (بقرینه "وحدت کلمه"، بجای "اختلاف نظر") ، ص ۲۱۹. حقیقت کلی و اصلی: réalité objective ، ص ۳۱۹. نظریه عقیده شخصی: subjective ، ص ۳۱۹. امنیت قضائی، تأمین قضائی: sécurité juridique ، ص ۴۵۸، ۶۰۰، ۶۰۵. ضابطین عدلیه: polices judiciaires ، ص ۶۰۱ - ۶۰۲. اقوام بلافصل: ligne droite ، ص ۶۰۴. علمهای طبیعی: sciences naturelles ، ص ۶۱۳. همروزگاران: contemporains ، ص ۶۱۳. بحران اقتصادی: crise économique ، ص ۸۲. بحران سیاسی: crise politique ، ص ۶۳۹. تعلیم (تعلیمات) ابتدائی: éducation élémentaire ، ص ۱۴۵، ۵۴۶. بعدد. تحصیلات عالی، معارف عالیه: les hautes études ، ص ۴۸۱، ۵۴۶. بعدد. عقل فعال: intellect agent ، ص ۶۸۶. ایجاد: création ، ص ۶۸۷.

یا مثلا جمله "زیر را بسیاق فارسی چنین ترجمه کرده اند:-

Dans la politique il faut tout prendre au Sérieux et tien au tragique:

"در سیاست باید همه چیز را با نظر جدی تلقی کرد نه با نظر دهشت". و نیز

ترجمه "شعر" دریاچه" از لامارتین به قلم نصرالله فلسفی (ص ۱۲۸ - ۱۳۰) به فارسی روان و به نثری دلپذیرست.

مواردی هم هست که شاید هنوز معادلهای فارسی برخی کلمات اروپایی عرضه نشده و رواج نیافته بوده است و ناگزیر همان کلمات بیگانه را بکار برده اند، مانند: کابینه cabinet (هیات وزیران)، ص ۳۸۵، ۳۸۹، ۶۳۵، پروگرام programme (برنامه)، ص ۶۳۹، رژیم régime (نظام، حکومت)، ص ۶۳۹، avoué (که در حقوق ایران مصداق نداشته)، avocat (وکیل دعاوی)، ص ۶۰۳.

گاه برخی مسامحات نیز دیده می شود، مثل: آلمانها (بجای آلمانیها)، یا انگلیسها (بجای انگلیسیها)، ص ۷۴ - که تحت تاثیر زبان خارجی است - یا "بهبودی" (بجای "بهبود")، ص ۱۱، ۱۵، ۷۷، ضرب مثبت (بجای ضرب شست) نشان دادن، ص ۶۰، کنایه از قدرت نمایی، یا کنکاشستان (بجای مجلس شوری)، ص ۷۰ - که لغتی مغولی - فارسی است - و نیز برخی ناهمواریها در مقدمه علی دشتی بر نوشته "دل انگیز او راجع به" موسیقی وزیری"، ص ۹۰ - ۹۴. اما بر روی هم نثر مجله "آینده" درست و روشن و روان است. نکته: درخور توجه آن که بنیان گذار و مدیر مجله "آینده"، شادروان دکتر محمود افشار، مدت پنج سال دوره "دبیرستان" را در مدرسه ای انگلیسی در هندوستان درس خوانده، آنگاه بعد از بازگشت به ایران و سه سال تحصیل در مدرسه علوم سیاسی، بار دیگر برای تحصیلات عالی به سویس رفته و هشت سال در اروپا بسر برده و چهار سال پس از آمدن به ایران (در سال ۱۳۰۵ ه.ش.)، یعنی در تیرماه سال ۱۳۰۴ نخستین شماره "مجله" را منتشر کرده است. اما دوری از ایران و تحصیل در مدارس خارجی از انس او با زبان فارسی نکاسته است بلکه چون از زبان مادری مایور بوده و به این زبان مطالعه می کرده و می نوشته است، نوشته های او کاملا رنگ و

بوی فارسی دارد و به نثر شکسته بسته فرنگی مآبان نمی‌ماند. از این رو وی در مندرجات مجله خویس نیز این شیوه را در حسن انشای همه مقالات در نظر داشته است. بعلاوه بسیاری از همکاران قلمی او خود از ادیبان و نویسندگان معتبر آن زمانند. هم‌اکنون چشم به این عبارت افتاد: "سیاست او (لرد کرزن) نسبت به ایران" (ص ۶۵) و بی‌اختیار به ذهنم گذشت که اگر امروز بود شاید بعضی از هموطنان ما بجای این عبارت می‌نوشتند: "سیاست او در رابطه با ایران"!

در هر حال، مقدمه لازم برای احراز توانایی در ترجمه تعبیرات خارجی به زبان فارسی انس داشتن با روح و شیوه بیان طبیعی این زبان است و این اهلیت جز با فارسی آموختن و آثار فصیح پیشینیان و معاصران را بدقت خواندن و تأمل کردن و بهره بردن دست نمی‌دهد. بنیان‌گذار آینده و همه نویسندگان و مترجمان موفق نیز همین راه را برگزیده و به مقصود رسیده‌اند.

توجه و علاقه دکتر محمود افشار به زبان فارسی چندان دوام و استواری یافت که بصورت عشقی گرم و پرشور درآمد و به همین سبب "هدف اساسی" بنیاد موقوفات خود و انتشارات آن را (بموجب ماده ۲۵ وقف‌نامه) "تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی ایران" از این راه قرار داد.

تأمل در راه و روش و تجربه پیشینیان در هر کار، از جمله در زمینه مطبوعات و نویسندگی و ترجمه و نقل مفاهیم و تعبیرات به زبان فارسی، برای ما سودمند تواند بود. جلد نخستین آینده، نمودار نکته‌هایی آموزنده، هنوز پیش چشم من گسترده است، با بسیاری یادداشتها که بر حاشیه صفحات آن نوشته‌ام لیکن برای پرهیز از اطباب از نقل آنها صرف‌نظر و به همین مختصر اکتفا می‌کنم.

#### یادداشتها:

- ۱- تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض، چاپ دوم، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۵۶.
- ۲- ترجمه ابوالعالی نصرالله، تصحیح مجتبی مینوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- ۳- نظامی عروضی، از روی نسخه مصحح محمد قزوینی با تصحیح مجدد دکتر محمد معین، تهران، زوار، ۱۳۳۶.
- ۴- تصحیح محمد علی فروغی، تهران، وزارت فرهنگ، ۱۳۱۶.
- ۵- تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۴.
- ۶- چاپ بروخیم، تهران، ۱۳۱۳.
- ۷- نیز، رک: دکتر رضا هادی‌زاده، "سعدی و زبان عربی در آیین گلستان"، در کتاب: ذکر جمیل سعدی، تهران، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۶۴، ۲/۲۸۷.
- ۸- شبیه "اختلاف آراء" و "اختلاف کلمه" در آثار فارسی.
- ۹- برای کسب اطلاع بیشتر در ابواب مختلف این موضوع، مقاله محققانه آقای دکتر خسرو فرشیدورد: "تأثیر ترجمه در زبان فارسی"، فرهنگ و زندگی، ۲۳، پاییز ۱۳۵۵، ص ۴-۴۷، سودمند و خواندنی است و نیز مقاله آقای ابوالحسن نجفی با عنوان: "آیا زبان فارسی در خطرست؟"، نشر دانش، سال سوم، شماره ۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۱، ص ۴-۱۵.